

# صادقانه ترین فریاد

پژوهشی پیرامون حدیث شریف منزلت

به اهتمام:  
ایمان روشن بین

سرشناسه: ایمان روشن بین، ۱۳۶۵  
عنوان و نام پدیدآور: صادقانه ترین فریاد: پژوهشی پیرامون  
حدیث شریف منزلت / به اهتمام: ایمان روشن بین.  
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۰.  
مشخصات ظاهری: ۶۸ ص.  
شابک: ۱-۲۹۶-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.  
یادداشت: کتابنامه: ص ۶۱-۶۴؛ هم چنین به صورت زیرنویس.  
موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت -  
۴۰ ق. اثبات خلافت، احادیث (منزلت)  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ر ۹ م / ۱۴۵ BP  
رده بندی دیوبی: ۲۹۷ / ۲۱۸  
شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۴۵۷۵۰



شابک ۱-۲۹۶-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ - ۱-۲۹۶-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ - ISBN 978-964-539-296-1

صادقانه ترین فریاد

ایمان روشن بین

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰

تیراژ: ۸۰۰۰ نسخه

حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: زنیق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۳۶ ۷۷۵۲۱۸ (خط ۶)  
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۲۱ ۶۴۸۰۱۳۵ (خط ۴) ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: [info@monir.com](mailto:info@monir.com)

دیگر مراکز بخش: تبریز (صحیفه) ۵۵۵۱۸۴۸-۰۴۱۱ \* اهواز (رشد) ۲۲۱۷۰۰۱-۰۶۱۱ \* مشهد ۲۲۵۷۲۵۷-۰۵۱۱  
شیراز (شاهچراغ) ۲۲۲۱۹۱۶-۰۷۱۱ \* اصفهان (مهر قائم) ۲۲۲۱۹۹۵-۰۳۱۱ \* دزفول (مراج) ۲۲۶۱۸۲۱-۰۶۴۱

۱۵۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تقديم به:

رحمة للعالمين، پیامبر خاتم،  
محمد مصطفی صلوات الله عليه و آله  
آن که همیشه امیرالمؤمنین علیه السلام را  
نفس و دم و روح خویش می خواند!

به نیابت از:

مدافع و پاسدار حریم ولایت  
امین و امانت دار امامت  
علامه امینی رحمته الله



## فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۱	اهمیت اعتقاد از سر فهم
۱۵	استدلالی محکم
۱۵	تواتر
۱۶	تواتر حدیث منزلت
۱۷	راویان حدیث منزلت
۱۸	حدیث منزلت در کتب فریقین
۱۸	تعبیرهای مختلف روایت
۲۱	موارد بیان حدیث منزلت
۲۱	پیمان برادری بین اصحاب پیامبر ﷺ
۲۲	ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام
۲۴	خیبر
۳۲	تبوک
۳۸	خطبه غدیر

۴۲	.....	نقل یکی دیگر از موارد از زبان عمر بن خطاب
۴۳	.....	دیگر جایگاه‌های بیان حدیث
۴۵	.....	نسبت هارون به موسی از منظر قرآن
۴۷	.....	بیان اول
۴۸	.....	بیان دوم
۵۱	.....	مثل موسی مثل هارون
۵۲	.....	تذکر
۵۳	.....	جایگاه امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> از منظر قرآن
۵۴	.....	خاتم‌بخشی
۵۷	.....	شکوا
۵۹	.....	کلام آخر
۶۱	.....	کتابنامه
۶۵	.....	پرسشنامه



## پیش‌گفتار

غدیر، ساحل نجاتی است که کشتی رسالت انبیا در آن آرام گرفت!  
اگر غدیری در طول تاریخ اتفاق نمی‌افتاد، آیا برای دفاع از حریم  
ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام راهی وجود داشت؟  
غدیر نه اوّلین بار بود و نه آخرین آن!  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ابتدای بعثت تاهنگام رحلت، لحظه‌ای از  
معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان امام و جانشین فروگذار نکردند.  
نشان به آن نشان که در یوم الدار؛ اوّلین روزی که خود را به عنوان  
پیامبر معرفی نمودند و رسالت خود را علنی نمودند، علی بن ابی طالب  
را وصی و جانشین خود معرفی نمودند.<sup>۱</sup>

---

۱ - در همان مجلس بلافاصله بعد از معرفی خود به نبوت؛ وصایت و خلافت  
امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز اعلام نموده و می‌فرمایند: «ای مردم! علی بن ابی‌طالب، برادر،  
وصی، جانشین و خلیفه بعد از من است.»  
مدرک شیعی: تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب، ج ۹، ص ۵۱۳، علل الشرائع، ج ۱،  
ص ۱۷۰.

آنچه غدیر را از دیگر زمانها متمایز نمود، اجتماع و بیعت همگانی و تک به تک افراد با علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان امیرالمؤمنین بود. وگرنه سرتاسر قرآن، روایات و تاریخ، فریادگر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

آنچه در این نوشتار به قلم تحریر درآمده، نگاهی است گذرا بر حدیث منزلت به عنوان روایتی معتبر و متواتر نزد شیعه و اهل تسنن که اگر نبود دلیلی بر وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام جز این روایت، حجت بر هر جستجوگر حقیقتی تمام بود!

در این نوشتار سعی شده تا حد ممکن موجز و کوتاه به تبیین مطالب پرداخته شود و از طول و تفسیر پرهیز گردد تا ان شاء الله برای عموم قابل استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر برای نشان دادن این که، مطالب بیان شده مورد اتفاق شیعه و اهل تسنن بوده و اختلافی نیست، پس از ارائه اسناد و مدارک شیعی؛ از کتب اهل تسنن نیز مدارکی ارائه شده است.

در پایان؛ خود را موظف می دانم تا از همفکری جناب آقای جوهرچی جهت نگارش این کتاب تشکر و قدردانی نمایم.  
ان شاء الله به دعای امام عصر علیه السلام، خداوند همه ما را مشمول «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا»<sup>۱</sup> قرار دهد.

جمعه، ۳۰ ذی القعدة - ایمان روشن بین

---

۱ - مدرک اهل تسنن: مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۱۱، تاریخ الامم و الملوك (تاریخ طبری)، ج ۲، ص ۶۳.

۱ - وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۰.

## اهمیت اعتقاد از سر فهم

... اکنون!

در قرن ۲۱، این تویی در دنیای پهناور، با اخباری گوناگون! کدام یک را باور می‌کنی و از کنار کدام یک، بی‌توجه می‌گذری؟ در مورد کدام خبر تحقیق می‌کنی و کدام را بی‌تحقیق پذیرفته یا نمی‌پذیری؟ یکی از مهمترین اخبار، دین است! قبول داری؟! یکی مسلمان است، یکی مسیحی، دیگری یهودی است و آن یک بودایی! و جالب‌تر آن که هر کدام، حق را دین خود می‌دانند. اگر تحقیق کردی و دانستی که اسلام آخرین ادیان است و همه پیامبران پیشین، به خاتم الانبیاء صلوات الله علیه و آله بشارت داده بودند و اکنون:

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>۱</sup>.

همانا دین - دین راست و درست - نزد خداوند اسلام است.

تازه با مشکلی دیگر مواجه شده‌ای!

خود مسلمان‌ها نیز چندین گروه‌ها می‌دهند. یکی خود را شیعه می‌داند و دیگری می‌گوید من سنی هستم! و... حال باید چه کرد؟ آیا تحقیق کرده‌ای که چرا کدام مذهب را برگزیده‌ای؟ چون پدر و مادرت آن مذهب را برگزیده بودند؟ اگر این‌گونه باشد که مصداق این آیه‌ای:

«وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ»<sup>۱</sup>.

پدران خود را یافتیم که چنین می‌کردند.  
و اگر این‌گونه بودی، چه بسا خداوند نیز به تو بگوید:

«لَقَدْ كُنْتُمْ أَنتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»<sup>۲</sup>.

هر آینه شما و پدرانتان در گمراهی آشکار بوده‌اید.

در این صورت چه خواهی کرد؟ بنابراین؛ علاوه بر این که عقل، ما را از پذیرفتن دین و مذهبی به خاطر این که پدرانمان چنان بوده‌اند، نهی می‌کند، قرآن کریم نیز به صراحت بیان می‌کند که چه بسا پدرانتان اشتباه می‌کردند! در این صورت هم تو و هم آباء و اجدادت در ضلالت خواهی بود.

امیرالمؤمنین «علیه السلام» می‌فرمایند:

مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ أَفْوَاهِ الرِّجَالِ أَزَلَّتْهُ الرِّجَالُ وَمَنْ أَخَذَ دِينَهُ  
مِنَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ زَالَتِ الرِّجَالُ وَلَمْ يَزُلْ»<sup>۳</sup>.

هر کس دین خود را از دهان مردم فرا گرفته باشد، همان مردم

۱ - سوره مبارکه شعرا، آیه ۷۴.

۲ - سوره مبارکه انبیا، آیه ۵۴.

۳ - وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۲.

(مردان) آن را زایل کرده و از بین می‌برند و هر کس دین خود را از کتاب و سنت (قرآن و روایات) فرا گرفته باشد، کوه‌ها از بین می‌روند ولی ایمان او از بین نمی‌رود.

این حدیث در بردارنده نکته بسیار مهمی است و آن این‌که اگر صرفاً به خاطر گفته دیگران معتقد به دینی شدی، فردا روز اگر آنان از دین برگشتند، تو نیز از دینت بر می‌گرددی و اعتقادات را از دست می‌دهی. سخن آنان، رفتار نادرستشان و... هر کدام می‌تواند سبب شود تا تو از اعتقاد خود برگردی. چراکه برای دیانت خود هیچ دلیل قاطعی نداشتی. اما اگر با تفقه - تفکر عمیق - در آیات و روایات و بر اساس دلیل و منطق برخواسته از آن‌ها به دینی معتقد شدی، اگر تمام عالم هم از دین برگردند، یا آنان که مدعی دیانت هستند، رفتار نادرستی انجام دهند که در خور دین نباشد، سخن و رفتار دیگران سبب نمی‌شود که تو از دینت دست بکشی.

از سویی دیگر صادق آل محمد علیهم‌السلام می‌فرمایند:

«الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ وَلَا يَزِيدُهُ  
سُرْعَةُ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا»<sup>۱</sup>.

عمل کننده بی‌بصیرت مانند کسی است که در بیراهه می‌رود، سرعت رفتنش جز دورتر شدن از راه را برایش در بر ندارد.

به عنوان مثال، کسی را در نظر بگیرد که از تهران قصد مسافرت به جنوب کشور را دارد. اگر او به اشتباه در مسیر شمال کشور حرکت کند، آیا سرعتش در مسیر، نتیجه‌ای جز زودتر دور شدن از جنوب را در بر

دارد؟ آیا می‌تواند ادعا نماید که چون در مسیر با سرعت زیاد رفته باید زودتر به جنوب می‌رسیده؟ پاسخ روشن است. چون از ابتدا در مسیر نادرست قدم نهاده، سرعتش در مسیر، جز دوری از مقصد را برایش به ارمغان نخواهد آورد. هم‌چنین است زحمت کشیدن در راه عبادت، بدون قرار گرفتن در مسیر درست بندگی!

و آخر سخن را در این بخش زینت دهیم به کلام زین العابدین، امام سجّاد علیه السلام که فرمودند:

«لَا عِبَادَةَ إِلَّا بِالتَّفَقُّهِ»<sup>۱</sup>

هیچ عبادتی جز با تفقه (از روی فهم و تفکر عمیق) محقق نمی‌شود.

## استدلالی محکم

اگر بنا شد که اعتقادمان از سرفهم و برهان منطبق بر آیات و روایات باشد، و در مسیر درست بندگی خداوند عبادت نماییم، شاید یکی از صریح‌ترین و کم‌اختلاف‌ترین ادله برای اثبات ولایت، امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم «حدیث منزلت» است که متواتر بین فریقین (شیعه و اهل تسنن) است.

### تواتر

متواتر از جهت لغوی، اسم فاعل از «تواتر» به معنای «در پی هم آمدن» است.<sup>۱</sup> عالمان شیعه و اهل تسنن معنی اصطلاحی آن را چنین تعریف نموده‌اند:

خبری که گزارشگرانش آن قدر فراوان باشند که به طور عادی تبانی آنها بر کذب (دروغ) محال باشد و این ویژگی (کثرت روایات) در همه

---

۱- العین، ج ۸، ص ۱۳۶ و لسان العرب، ج ۵، ص ۲۷۵.

طبقات استمرار یابد.<sup>۱</sup>

به عبارت روشن تر، حدیث متواتر حدیثی است که تعداد راویان آن در طول زمان به قدری باشد که احتمال دست به یکی کردنشان برای دروغ محال باشد. بنابراین، حدیث متواتر علم آور و یقینی است. از حدیث متواتر کاملاً اطمینان حاصل می شود که سخن یا عمل ذکر شده در حدیث، واقعاً از معصوم علیه السلام سر زده است.

### تواتر حدیث منزلت

حدیث منزلت که از زبان شریف اشرف مخلوقات، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در شأن امیر المؤمنین علیه السلام بیان شده است، نزد اندیشمندان شیعه امامیه، متواتر و نزد اهل تسنن نیز از احادیث صحیح، معروف و مشهور و متواتر است.

تواتر این حدیث نزد علمای شیعه امامیه که بدیهی و روشن است. از اندیشمندان اهل تسنن ابن عبدالبر در کتاب الاستیعاب درباره حدیث منزلت می نویسد:

این حدیث از معروفترین و صحیحترین روایات است.<sup>۲</sup>

حاکم نیشابوری از دیگر اندیشه وران اهل تسنن می گوید:

حدیث منزلت به حدّ تواتر رسیده است.<sup>۳</sup>

---

۱ - علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۱۴۸ و الزعایه، ص ۵۹.

۲ - الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۹۷.

۳ - کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۲۸۳.



### راویان حدیث منزلت

از نکته‌های بسیار جالب آن است که این روایت به قدری مشهور است که در میان راویان آن، هم نام دوستان و طرفداران امیرالمؤمنین علیه السلام می‌درخشد و هم کسانی که در سیره عملی‌شان مخالفت با ایشان را پیش رو قرار دادند، این حدیث را روایت نموده‌اند. در این بخش تنها به نام برخی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله که حدیث منزلت را روایت کرده‌اند اکتفا نموده و از آن‌جا که مشت نمونه خروار است از آن عبور می‌نماییم.

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام

۲. عبدالله بن عباس

۳. جابر بن عبدالله انصاری

۴. عبدالله بن مسعود

۵. سعد بن ابی وقاص

۶. عمر بن خطاب

۷. ابوسعید خدری

۸. براء بن عازب

۹. ابوهریره

۱۰. معاویه بن ابی سفیان

بیش از سی نفر از صحابه این روایت را نقل نموده‌اند که بعید نیست با توجه به این‌که برخی از زنان اصحاب، چون ام‌المؤمنین ام‌سلمه (همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله) و اسماء بنت عمیس، هم در بین راویان قرار دارند، مجموع راویان مرد و زن از صحابه، تا چهل نفر نیز برسد.<sup>۱</sup>

---

۱ - نگاهی به حدیث منزلت، نوشته آیت الله سید علی حسینی میلانی، ص ۲۳.

### حدیث منزلت در کتب فریقین

یکی از ویژگی‌های این حدیث که آن را از دیگر احادیث ممتاز می‌نماید این است که علاوه بر علمای شیعه امامیه<sup>۱</sup> و بسیاری از محدثان اهل تسنن<sup>۲</sup>، بخاری و مسلم نیز در در کتب خود که نزد اهل تسنن، معتبرترین کتاب بعد از قرآن می‌باشد بر نقل آن اتفاق نظر دارند.<sup>۳</sup> لازم به ذکر است که در میان اهل تسنن مشهور و معروف است که احادیث صحیح بخاری و صحیح مسلم، به طور قطع، صحیح و درست هستند و بیشتر آنان معتقدند که تمامی احادیث این دو کتاب، قطعی الصدور بوده و جایی برای بحث و خدشه در سندهای هیچ کدام از این روایات وجود ندارد.<sup>۴</sup>

### تعبیرهای مختلف روایت

مضمون این حدیث شریف در کتب شیعیان و اهل تسنن با عبارتهای مختلف و مشابه به کار رفته است که در زیر به برخی از

۱ - برای نمونه رجوع کنید: الکافی، ج ۸، ص ۱۰۶، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۰۸، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۷۴.

۲ - برای نمونه رجوع کنید: الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۴ و خصائص نسائی، ص ۶۷، احادیث ۴۴ و ۶۱ و ۷۷، البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۴۰.

۳ - صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۴ و ج ۶، ص ۳ و صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۰، حدیث ۲۴۰۴.

۴ - برای مطالعه بیشتر پیرامون بحث مطرح شده می‌توانید به کتاب‌های تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تألیف حافظ جلال الدین سیوطی و یا علوم الحدیث ابوالصلاح مراجعه نمایید.

آن‌ها اشاره می‌شود:

در حدیث منزلت، پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«أَمَّا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى».

آیا راضی نیستی که برای من همانند هارون نسبت به موسی باشی؟

بنا بر نقل دیگری فرموده‌اند:

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى».

تو برای من همانند هارون نسبت به موسی هستی.

در تعبیری دیگر آمده است:

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي».

تو در نزد من همچون هارون در نزد موسی می‌باشی جز آن‌که پس از من پیامبری نباشد.

در برخی دیگر از اقوال آمده است:

«يَا عَلِيُّ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى».

یا علی، تو برای من همانند هارون نسبت به موسی هستی.



## موارد بیان حدیث منزلت

حدیث شریف منزلت در جایگاه‌ها و زمان‌های مختلف از اوائل بعثت رسول خدا ﷺ تا اواخر عمر شریف و رحلت رسول الله ﷺ در طول ۲۳ سال در فواصل زمانی و موقعیت‌های مختلف بیان شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

### پیمان برادری بین اصحاب پیامبر ﷺ

هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ به مدینه هجرت نمودند، بین مهاجران و انصار پیمان اخوت و برادری بستند. رسول خدا ﷺ میان عمر و ابوبکر، عثمان و عبدالرحمن بن عوف، طلحه و زبیر، سلمان و ابوذر، مقداد و عمار پیمان برادری بستند و آنان را برادر یکدیگر نامیدند. اما امیرالمؤمنین علیه السلام که با کسی برادر اعلام نشده بودند، غمگین رو به پیامبر ﷺ کرده و به ایشان عرضه داشتند:

پدر و مادرم به فدایتان! بین من و هیچ کس پیمان برادری

نستید!

رسول خدا ﷺ تبسم نمکینی کرده و فرمودند:

علی جان! تو را برای خود نگاه داشتم! آیا راضی نیستی که برادر من باشی و من برادر تو باشم؟! تو وصی، وزیر و خلیفه من در میان امت هستی. این تویی که دین مرا ادا می کنی و وعده های مرا به انجام می رسانی! یا علی! جز تو کسی سزاوار نیست که مرا غسل دهد!

«وَأَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي».

تو برای من همانند هارون برای موسی هستی، جز آن که پس از من پیامبری نیست!

وقتی امیرمؤمنان علیه السلام این سخنان را شنیدند شادمان شدند.<sup>۱</sup>

### ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام

وقتی یگانه دختر رسول خدا ﷺ، فاطمه زهرا علیها السلام امام حسن علیه السلام را متولد نمودند رو به امیرالمؤمنین علیه السلام نموده و عرضه داشتند:

علی جان! نامی برای این نوزاد انتخاب نما!

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

من در نام گذاری او؛ بر رسول خدا ﷺ سبقت نخواهم گرفت.

زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تشریف فرما شدند، پارچه سفیدی

۱ - مدرک شیعی: تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۰۹.

مدرک اهل تسنن: صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۶، حدیث ۳۷۲۰ و طبرانی در

معجم الکبیر، ج ۵، ص ۲۲۱.

گرداگرد نوزاد پیچیده و فرمودند:

آیا نام این کودک را نهاده‌اید؟

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ عرضه داشتند:

یا رسول الله! ما هرگز در نام‌گذاری او بر شما پیشی نمی‌گیریم!

پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز فرمودند:

من هم در این موضوع از خدای خود پیشی نمی‌گیرم.

خداوند بر جبرئیل وحی نمود:

ای جبرائیل! برای حضرت محمد نوزادی متولد شده. بر زمین

فرود آی و پس از آن که سلام مرا بر آن حضرت رساندی و

تبریک گفتی به وی بگو:

«إِنَّ عَلِيًّا مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَاسْمُهُ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ».

چون علی بن ابی طالب برای تو بسان هارون به موسی است، نام

این نوزاد را هم نام پسر هارون قرار بده.

وقتی جبرئیل بر زمین فرود آمده و همان سخنان را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عرضه داشت، حضرت نام پسر هارون را پرسیدند. جبرئیل پاسخ داد:

«شَبْر».

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

زبان من عربی است. (چون شَبْر به زبان عبری می‌باشد)

جبرئیل پاسخ داد:

نام او را حسن بگذار. (حسن همان عربی شَبْر است)

همین جریان عیناً در مورد نام‌گذاری امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ تکرار شد و

خداوند دستور فرمود از آن جایی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مانند هارون برای موسی هستند، نام فرزند دوم امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام را نام پسر دوم هارون یعنی شبیر (به عبری)، حسین (به عربی) بگذارند.<sup>۱</sup>

### خیبر

به دستور خداوند، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سپیده‌دمان<sup>۲</sup> با اصحاب خود رهسپار خیبر شدند.

سپاه اسلام بیست و چند شب، یهود را در خیبر محاصره کردند، ساکنان قلعه، خندقی اطراف آن احداث کرده بودند و مرحب (بهترین و قوی‌ترین جنگجوی خیبر) با یاران خود، گاه از قلعه خارج شده، عرض اندامی برای جنگیدن می‌کرد.<sup>۳</sup>

وقتی حملات و برخورد مرحب بالا گرفت و مردم از مقاومت‌های او بی‌تاب شدند، شکایت خود را نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برده و خواستار حضور امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در کارزار شدند.<sup>۴</sup>

حضرت رو به سعد بن معاذ کرده و او را با پرچم انصار به میدان فرستادند ولی او شکست خورده و بازگشت، سپس عمر بن خطاب را به همراه پرچم و مهاجرین و انصار گسیل داشتند و این بار سعد مجروح

۱ - مدرک شیعی: الأمالی الصدوق، ص ۱۳۵؛ و عیون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۲، ص ۲۵.

مدرک اهل تسنن: مسند احمد بن حنبل ج ۱، ص ۲۵۰، حدیث ۹۵۳ و خوارزمی در مقتل الحسین، ج ۱، ص ۱۳۶، ج ۲.

۲ - بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۲.

۳ - إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص ۲۴۶.

۴ - بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۹.



بازگشت و عمر نیز با تمام افرادش دچار ترس و هراس شدند، عمر آنان را ترسو خطاب می‌کرد و یارانش او را ترسو می‌انگاشتند.<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ عصبانی شده و فرمودند:

چرا اینان با شکست بازمی‌گردند و یاران خود را می‌ترسانند؟<sup>۲</sup>

آن‌گاه فرمودند:

«فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد که بی‌هیچ فرار و گریزی

به قلب دشمن می‌زند، خدا و رسول را دوست دارد و خدا و

رسولش نیز او را دوست دارند و باز نخواهد گشت تا خداوند به

دستان او پیروزی را نصیب گرداند.»<sup>۳</sup>

چشمان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به سختی درد می‌کرد، سپاهیان با خود

می‌گفتند: علی از شدت چشم درد، نه کوهی می‌بیند و نه دشتی! بنابراین

تصوّر نمی‌کردند که آن فرد حضرت امیر باشند! برای همین مدام مهاجر

و انصار از میان جمع‌گردن می‌کشیدند (تا این‌که پیامبر آنان را ببینند و

شاید نام آن‌ها را ببرند).<sup>۴</sup>

فردای آن روز، هنگامه صبح، زمانی که همه انتظار می‌کشیدند تا

ببینند کسی که رسول خدا ﷺ آن‌گونه او را توصیف کرده بودند

کیست و آرزو می‌کردند تا پرچم فرماندهی نصیب آنان شود، حضرت

رسول ﷺ از خیمه بیرون آمده و پرچم را بر زمین زدند و فرمودند:

علی کجا است؟

۱- الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۲۸، سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۴۹.

۲- الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳- الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۵۹.

۴- الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۶۰.

عرض کردند:

ایشان چشمانشان درد می‌کند.

حضرت امر کردند که او را نزد من آورید.

علی جان از چه بی‌تابی؟

عرضه داشتند:

سر و چشمانم درد می‌کند و توان دیدن جایی را ندارم.

علی جان! بنشین و سرت را بر زانوانم گذار.

سپس برای ایشان دعا کرده و دست خود را به آب دهانشان متبرک

نموده و بر سر و چشمان مبارک حضرت امیر علیه السلام کشیدند.

امیرالمؤمنین علیه السلام که چشمانشان را از شدت چشم درد برهم نهاده

بودند، گشودند و آرام شده و درد سرشان نیز به کلی بهبود یافت.

پرچم را که به رنگ سفید بود، به ایشان داده و فرمودند:

علی جان! پرچم را بگیر و به میدان برو! یا علی! بدان که آنان در

کتاب خود خوانده‌اند کسی که آنان را هلاک می‌کند نامش «ایلیا»

است. (ایلیا همان حیدر به زبان عبری است) نام خود را به آنان

بگو که ان شاء الله آنان خوار و تو بر آنان پیروز خواهی شد.<sup>۲</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله به دستان خود عمامه را بر سر ایشان بستند، لباس

رزم بر تنشان کرده و سوار بر مرکبشان نمودند و فرمودند:

یا علی! برو به میدان که جبرئیل از سمت راستت همراهی‌ات

می‌کند و میکائیل از جانب چپ و عزرائیل از پیش رویت و

۱- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۲۶.

۲- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۲۶.

اسرافیل از پشت سر! علی جان! یاری خداوند بر سرت و دعاوی من نیز بدرقه راهت است!<sup>۱</sup>

وقتی حضرت به سمت آنان حرکت نمودند، مردی از یهود به نام مرحب از قلعه خارج شد. مرحب قد بلند و سر بزرگی داشت. یهودیان به خاطر شجاعت و بی نیازی اش به دیگران او را فرمانده خود می نامیدند.<sup>۲</sup> او کلاه خودی بر سر گذاشته و سنگ بزرگی را نیز سوراخ نموده و بالای سر خود گذاشته بود. (کلاه خودی از جنس سنگ)<sup>۳</sup>

مرحب دایه ای داشت که از کاهنان یهود بود و از جوانی و عظمت خلقت مرحب یعنی بزرگی هیكلش خوشش می آمد. به او گفته بود:

هر که با تو جنگید، با او بجنگ و بر هر که قصد غلبه بر تو را داشت، غالب شو! مگر کسی که بگوید نامم «حیدر» است! بدان که اگر در مقابل او بایستی حتماً هلاک خواهی شد و او تو را خواهد کشت!

وقتی چشمان مرحب به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ افتاد، بی آن که بداند ایشان چه نام دارند صرفاً از شجاعت، شهامت و هیبت ایشان ترسید و منصرف از جنگیدن شد و سوی قلعه بازگشت. اما اندکی بعد دوباره بازگشت و شروع به رجز خواندن نمود:

من آنم که مادرم مرا مرحب نامید!

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز رو به او نموده و فرمودند:

منم کسی هستم که مادرم نام مرا حیدر گذاشت.

---

۱ - المناقب، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲ - الأملی للطوسی، ص ۳.

۳ - الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۲۶.

وقتی مرحب کلمه حیدر را شنید، ناگهان یاد نصیحت دایه اش افتاد،  
رنگ از رخساره اش پرید و از ترس پا به فرار گذاشت.  
در این لحظه ابلیس به سیمای یکی از علمای یهود در مقابلش ظاهر  
شد و گفت: به کجا می روی؟  
مرحب که رنگ از رویش پریده بود گفت:  
او می گوید نامم حیدر است!  
در مقابلش شیطان پاسخ داد:  
خوب! نامش حیدر باشد. مشککش چیست؟  
مرحب گفت:

دایه ام مرا بسیار نصیحت نموده بود که از جنگ با کسی که نامش  
حیدر است بپرهیزم؛ چرا که او قاتل من است!  
ابلیس، شیطانی خود را ثابت نموده و گفت:  
وای بر تو! مگر در این عالم تنها یک حیدر وجود دارد؟ تو با این  
عظمت و هیبت به خاطر گفته یک زن، از چنین جوانی  
می گریزی؟ نام حیدر در این عالم خیلی زیاد است. برگرد و  
نترس! شاید بتوانی او را بکشی و به این سبب بزرگ قومت  
گردی! من نیز در پس رویت یهودیان را به دعا و مدد رسانی به  
تو تشویق می کنم.

وقتی مرحب به میدان بازگشت، دو ضربه میان حضرت امیر عليه السلام و  
مرحب رد و بدل شد، و حضرت پیش دستی کرده، ضربتی بر او زدند که  
سنگ و کلاه خود و سرش به دو نیم شد. تا جایی که شمشیر به  
دندان های او رسید و به زمین افتاد.<sup>۱</sup>

---

۱- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۲۷.

وقتی مرحب به دست امیرالمؤمنین علیه السلام کشته شد، همه آنانی که با او به میدان آمده بودند به سمت قلعه گریختند و پشت خود، در قلعه را نیز بستند.

امیرالمؤمنین علیه السلام به سمت قلعه شان حرکت نمودند و با اندک تلاشی، در را گشوده<sup>۱</sup> و آن را به عنوان سپر خود استفاده کردند و با آنان جنگیدند.<sup>۲</sup> از طرفی چون اغلب مردم جانب دیگر خندق قرار داشته و نتوانسته بودند از آن عبور کنند، حضرت، در خیبر را بلند نموده و آن را مانند پلی به روی خندق قرار داده تا مسلمانان از روی آن عبور کردند و وارد قلعه شده و به غنیمت‌ها دست یافتند. زمانی که مسلمانان کارشان به پایان رسید و بازگشتند، حضرت با دست راست، در را به آسمان بلند نموده و آن را چندین متر آن طرف‌تر پرتاب نمودند<sup>۳</sup> امیرالمؤمنین علیه السلام در قلعه‌ای را کنده و به عنوان سپر جنگی از آن استفاده نموده و سپس با یک دست به ده متر آن طرف‌تر پرتاب نمودند که چهل نفر تلاش نمودند که آن را جا به جا کنند، اما نتوانستند.<sup>۴</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

من به تنهایی قلعه خیبر را فتح کردم و هیچ کس جز خداوند عالم در این مسیر یاری‌ام نکرد.<sup>۵</sup>

بعدها عمرو بن عاص نقل می‌کند که ما از این‌که خدا قلعه را به

۱- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۲۷.

۴- الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۴۱.

۵- إرشاد القلوب إلی الصواب، ج ۲، ص ۳۴۷.

دست علی گشود تعجب نکردیم، از این در عجب شدیم که چگونه در را کند و چهل ذراع (ده متر) پشت سر انداخت در حالی که وقتی چهل مرد خواستند آن را بردارند، نتوانستند!

پیامبر ﷺ از سر قدرت حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرده برداشته و فرمودند:

چهل فرشته به او در کردن در، کمک کردند.

هم چنین روایت شده که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ، ضمن نامه‌ای به شخصی نوشتند:

با توانایی جسمی و نیروی غذایی در خیبر را نکنده و بر دوش خود چهل زراع با آن راه نرفتم، بلکه نیروی الهی مددکارم بود.<sup>۱</sup>  
پس از این که قلعه به دست مبارک حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَامُ فتح شد، مژده فتح خیبر به حضرت رسول ﷺ رسید. در این هنگام پیامبر خدا ﷺ به استقبال حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَامُ آمدند. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز از قلعه خارج شده و زمانی که به یکدیگر رسیدند، پیامبر ﷺ تبسمی نموده و فرمودند:

علی جان! خبر مهم قابل ستایش و کاری که انجام دادی به من رسید. بدان که خدا و من از تو راضی هستیم.  
در این لحظه قطرات اشک بر گونه‌های امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ جاری گشت و در پاسخ این که چرا می‌گیرند، فرمودند:  
گریه‌ام اشک شوق است! اشک خوشحالی از این که خدا و رسولش از من راضی هستند.<sup>۲</sup>

---

۱ - أمالی الصدوق، ص ۵۱۴.

۲ - إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۱۰۰.

رسول خدا ﷺ چشم در چشمان یگانه جانشینش می‌دوزند و می‌فرمایند:

اگر نمی‌ترسیدم از این‌که عده‌ای از امتم آن‌چه را که مسیحیان درباره مسیح، پسر مریم گفتند درباره تو بگویند (مسیحیان آن قدر مقام حضرت عیسی را بالا می‌دیدند که او را خدای خود می‌نامیدند)، امروز درباره‌ات سخنی می‌گفتم که هر که از کنارت بگذرد خاک پایت و باقیمانده آب وضویت را برای شفا بگیرد! در مقام تو همین بس که تو از من هستی و من از تو هستم، از من ارث می‌بری و من نیز از تو ارث می‌برم.

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي».

تو در نزد من همچون هارون در نزد موسی می‌باشی جز آن‌که پس از من پیامبری نباشد.<sup>۱</sup>

تو ذمه‌ مرا بری می‌کنی و بر اساس روش و سنت من می‌جنگی. فردای قیامت بر سر حوض کوثر جانشینم هستی. علی جان! تو اولین کسی هستی که بر حوض کوثر بر من وارد می‌شوی، تو اول کسی از امت منی که در بهشت در آئی. یا علی! شیعیانیت (در بهشت) بر منبرهای نور با روی سفید گرد من هستند و من از آن‌ها شفاعت می‌کنم. آنان فردا در بهشت همسایه‌های منند. همه بدانند که جنگ با تو جنگ با من است و تسلیم تو بودن سر

۱ - منبع شیعی: الأملی (للصدوق)، ص ۹۶، تفسیر فرات الکوفی، ص ۴۰۶،

إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القدیمة)، النص، ص ۱۸۵.

منبع اهل تسنن: مناقب خوارزمی، ص ۱۲۹، ح ۱۴۳، ینابیع الموده، ج ۱،

ص ۲۰۰، ح ۲.

تسلیم فرود آوردن نزد من است. سرّ تو سرّ من است و آشکار تو آشکار من و راز سینه تو چون راز سینه من و فرزندان فرزندان منند. تو به وعده‌های من وفا می‌کنی و حق با تو است و حق بر زبان تو جاری است و بر دلت و میان دو دیده‌ات. ایمان با گوشت و خونت آمیخته چنان چه با گوشت و خون من آمیخته. دشمن تو سر حوض بر من وارد نشود و دوست تو پنهان نگردد تا همراه تو سر حوض درآید.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به سجده افتاده و به درگاه خدا عرضه داشتند:  
حمد خدا که به من نعمت مسلمانی عطا فرمود و به من قرآن آموخت و از روی فضل و احسانش مرا محبوب بهترین آفریدگان، خاتم پیامبران و آقای رسولان قرار داد.  
سپس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:  
یا علی! اگر تو نبودی، پس از من، مؤمنان شناخته نمی‌شدند!  
(محبّت به تو، ملاک ایمان است).<sup>۱</sup>

## تبوک<sup>۲</sup>

گروهی وارد مدینه شده و شایعه کردند که رومیان در شام سپاهی بزرگ تدارک دیده‌اند و هرقل (هرا کلیوس، پادشاه روم) آذوقه یکسال

---

۱ - الأمالی الصدوق، ص ۹۷.

۲ - در این مجال تنها به بخش‌هایی از تبوک اشاره می‌شود که کمک‌کننده به فهم حدیث منزلت است. برای اطلاع بیشتر از غزوه تبوک و توطئه قتل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رجوع کنید به تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان و تاریخ تحقیقی اسلام، ج ۴، یوسفی غروی.



کارمندان و سپاهیان خویش را یک جا پرداخته، و قبائل مختلفی را با خود همراه ساخته و سپاهی مجهز و منظم بسیج کرده است. به دنبال رسیدن این اخبار پیامبر ﷺ اعلام فرمودند که قصد حرکت به سمت تبوک را دارند. بنابراین سایر قبایل و اهل مکه را هم خبر کرده و آنها را به جنگ و جهاد تشویق فرمودند.<sup>۱</sup>

آن گونه که از آیات سوره توبه بر می آید مردم با دستور پیامبر ﷺ به صورت انفعالی برخورد کردند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
اتَّقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ  
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ \* إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا  
أَلِيمًا وَ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَ لَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ.<sup>۲</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا هرگاه به شما گفته شود در راه خدا به سرعت حرکت کنید، خود را غمگین کرده به زمین می‌چسبانید (و سستی می‌کنید)؟ آیا به زندگانی دنیا به جای آخرت خشنود شده‌اید؟ کالای زندگی دنیا در آخرت جز اندکی نیست، اگر به سرعت (برای جهاد) حرکت نکنید، خداوند شما را عذابی دردناک خواهد نمود و گروهی دیگر به جای شما قرار خواهد داد و به او هیچ‌زبانی نخواهید رساند و خداوند بر هرکاری تواناست.

۱ - منبع شیعی: إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۲۴۳.

منبع اهل تسنن: المغازی ۹۸۹ / ۹۱۳، ۱۱۹، فتح الباری ۱۷۴ / ۹.

۲ - سوره مبارکه توبه، آیات ۳۸ - ۳۹.

آیه قرآن می‌فرماید منافقین علاوه بر تخلف خود و نهی مؤمنین از شرکت در غزوه، از کار خود نیز خوشحال بوده و پیامبر ﷺ را مسخره می‌نمودند.

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ \* فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ<sup>۱</sup>

تخلف یافتگان از این‌که نشستند و با پیامبر همراهی نکردند خوشحال شدند و خوش داشتند که با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد نمایند، و (به دیگران هم) گفتند: در گرما حرکت نکنید (و به میدان نبرد نروید) بگو: آتش جهنم حرارتش بیشتر است؛ اگر می‌فهمیدند، پس باید که کمتر بخندند و بیشتر گریه کنند (که جهنم خواهند رفت و) به سزای آن چه انجام می‌دهند.

«گروهی از منافقین به یکدیگر گفتند: در گرما حرکت نکنید علت این سخن، بی‌ رغبتی آن‌ها به جهاد و تردید در حق و فتنه‌انگیزی نسبت به رسول خدا ﷺ بود. پس خداوند تبارک و تعالی درباره آن‌ها نازل فرمود: و گفتند: در گرما حرکت نکنید، بگو: آتش جهنم حرارتش بیشتر است؛ اگر می‌فهمیدند، پس باید که کمتر بخندند و بیشتر گریه کنند به سزای آن چه انجام می‌دهند.»<sup>۲</sup>

۱ - سوره مبارکه توبه، آیات ۸۱ - ۸۲.

۲ - سیره ابن‌هشام ۱۶۰ / ۴، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۰۱ - ۱۰۲، تاریخ ابن‌کثیر، ج ۵، ص ۳، الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۶۵.

مخالفت منافقان به قدری زیاد و علنی شده بود که نقل کرده‌اند سپاهی برابر با سپاه رسول خدا ﷺ (سیصد هزار نفر) در مقابل ایشان صف کشیده و از همراهی ایشان سر باز زدند.

«عبدالله بن اُبی، سپاه خود را همراه آورده و در ثنیه الوداع نزدیکی ذباب اردو زد، هم پیمانان او از یهود و منافقین با او موافقت کردند و گفته می‌شد سپاه ابن اُبی از نظر جمعیت کمترین دو سپاه نبود. رسول خدا ﷺ چند روزی در آن محل ماندند... وقتی رسول خدا ﷺ حرکت کردند، ابن اُبی همراه سایر منافقین تخلف جست و گفت:

محمد با این سختی و گرما و دوری راه می‌خواهد با مو زردها بجنگد! او توان چنین کاری را ندارد، می‌پندارد جنگ با مو زردها بازی است؟! و کسانی که با او هم فکر بودند همین شیوه منافقانه را پیشه ساختند.

سپس عبدالله بن اُبی گفت:

به خدا قسم که گوئی می‌بینم فردا یاران او به ریسمان‌ها بسته شده‌اند. او این حرف‌ها را به منظور فتنه انگیزی نسبت به رسول خدا ﷺ به زبان می‌آورد.<sup>۱</sup>

#### تلذکر

در نیمه دوم سال نهم هجری که حدود یکسال تا رحلت رسول خدا ﷺ باقی است و به عبارتی ایشان در اوج قدرت ظاهری هستند، پیش‌روی‌شان چنین جمعیت کثیری

برای خود یک جبهه مخالف درست می‌کنند و آثار نفاق را بروز می‌دهند! با دانستن این موضوع آن‌چه پس از رحلت ایشان رخ داد کاملاً طبیعی و روشن به نظر می‌رسد.

آن‌چه در مورد آن ایام می‌توان گفت این است که پیامبر ﷺ با نیروی سی هزار نفری عازم تبوک شدند و جمع مشابهی از منافقین در آنجا مانده‌اند. جمعی که می‌توانند ایده‌های خطرناکی داشته باشند. نظر منافقین این بود که پیامبر ﷺ از این سفر خطرناک سالم باز نخواهند گشت؛ اگر هم در جنگ کشته نشد، توطئه‌گران او را خواهند کشت و در نهایت اگر هم کشته نشد منافقان با آن جمعیت و آمادگی کسب شده در غیاب ایشان، پس از بازگشتن رسول خدا ﷺ، در مقابل ایشان ایستادگی کرده و کار را یکسره خواهند نمود.

يَقُولُونَ لَئِن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ  
وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ<sup>۱</sup>  
می‌گویند: هرگاه به مدینه برگردیم هر آن‌که عزیزتر است آن  
ذلیل‌تر را بیرون خواهد راند! و حال آن‌که عزت مخصوص خدا و  
رسول او و مؤمنان است ولی منافقین نمی‌دانند.

بنابراین مدینه از مردان جنگی تهی شده بود. به عبارتی مردم مدینه یا با پیامبر ﷺ همراه شده و از مدینه خارج شده بودند و یا در جبهه مخالفان و منافقان مشغول توطئه بودند پس در مدینه جز عده‌ای زن و بچه، مردان عاجز و مریض و احیاناً انگشت شماری از مردان دیگر

کسی نمانده بود. چنین بود که مدینه را خطری بس عظیم تهدید می نمود. بنابراین باید کسی در مدینه می ماندند تا از مدینه در مقابل توطئه های منافقان محافظت نماید و این کار جز از وجود نفس پیامبر<sup>۱</sup> یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام از کس دیگری بر نمی آمد. باید توجه شود که امیرالمؤمنین علیه السلام در مقابل گروه زیادی از منافقان قرار داشتند.

در چنین شرایطی تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر حضور امیرالمؤمنین علیه السلام در باقی ماندن در مدینه روشن می شود. منافقان که دلیل ماندن حضرت امیر علیه السلام در مدینه را می دانستند اما قصد داشتند به هر طریقی ایشان را از مدینه خارج نمایند و از طرف دیگر به مقام ایشان حسادت می نمودند، شایعاتی به وجود آوردند که بین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ایشان به هم خورده و به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را با خود نبرده اند. وقتی شایعات و یاوه سرائی منافقان به گوش امیرالمؤمنین علیه السلام رسید، برای این که دروغ بودن این شایعات آشکار شود، خود را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسانده و به ایشان عرضه داشتند:

یا رسول الله! منافقین مدینه چنین می پندارند که چون آمدن من برای شما سنگین می آمده و از من ناراحت (خشمگین) بوده اید، مرا جانشین خود در مدینه نهاده اید (و با خود همراه نساخته اید)!  
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تبسمی نموده و فرمودند:

برادرم! باز گرد! چرا که مدینه اصلاح نمی شود جز به وجود من یا تو! علی جان! تو جانشین من در میان خاندان و هجرتگاه و قوم من هستی!<sup>۲</sup>

۱ - سوره مبارکه آل عمران، آیه ۶۱.

۲ - الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۵۶.

سپس ادامه داده و فرمودند:

أَمَّا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا  
نَبِيَّ بَعْدِي.<sup>۱</sup>

آیا راضی نیستی که برای من همانند هارون نسبت به موسی  
باشی؟ مگر آن که بعد از من پیامبری نخواهد آمد.

### خطبه غدیر

رسول خدا ﷺ اعلام می‌کنند که آخرین حج عمر ایشان است.  
صد و بیست هزار نفر از جای جای ممالک اسلامی همراه حضرت  
راهی حج می‌گردند. به ناگاه حضرت در منطقه‌ای به نام جحفه دستور  
توقف می‌دهند و می‌فرمایند:

صبر می‌کنیم تا آنانی که عقب‌تر هستند به ما برسند و ندا دهید  
آنانی که پیش رفته‌اند، بازگردند.

وقتی همه گرد آمدند، حضرت شروع به خواندن خطبه‌ای می‌کنند  
که حدود یک ساعت به طول می‌انجامد. خطبه‌ای که معمولاً افراد تنها  
عبارت «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، هر که من مولای اویم، این  
علی مولای اوست را به خاطر دارند.

به صورت خلاصه؛ ابتدا حضرت حمد و ثنای الهی را به جا  
می‌آورده و معارف توحیدی عمیقی را بیان می‌کنند. سپس گویی

---

۱ - مدرک شیعی: تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۹۳، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱،  
ص ۱۴۹.

مدرک اهل تسنن: صحیح بخاری، ج ۶، ص ۳، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۴.

آن چنان امر مهمی را حضرت باید بیان کنند که سبب دل‌نگرانی حضرت شده است و مدام با عبارات مختلف می‌فرمایند:

«من وظیفه خود را در آن چه به من وحی شده انجام می‌دهم، چرا که خداوند اعلام فرموده، اگر آن چه (درباره‌ی علی) نازل کرده به مردم نرسانم، وظیفه‌ی رسالتم را انجام نداده‌ام...  
... از جبرئیل درخواست کردم تا از خداوند بخواهد تا مرا از ابلاغ آن چه امر فرموده معاف گرداند، چرا که از کمی پرهیزگاران و فزونی منافقان و دسیسه‌ملاط‌گران و مکر مسخره‌کنندگان اسلام آگاهم. اما خداوند نپذیرفت و فرمود که اگر ابلاغ نکنم، زحمات تمام این ۲۳ سال رسالتم را به پایان نبرده و انجام نداده‌ام و...»

دست آخر رسول خدا ﷺ دلشان را به حمایت الهی گرم می‌یابند و وظیفه سنگینی که بر دوششان گذاشته شده بود را به سرانجام می‌رسانند.

هان ای مردمان بدانید!

أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي (عَلِيَّ أُمَّتِي) وَ  
الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي.

همانا علی بن ابی‌طالب برادر، وصی و جانشین من در میان امتم و امام پس از من است.

الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.  
کسی که جایگاه او به من مانند جایگاه هارون به موسی می‌ماند مگر این‌که پس از من پیامبری نخواهد آمد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ادامه می دهند:

پس از من به فرمان پروردگار، علی ولی و صاحب اختیار و امام شماس است.

هان ای مردمان! بدانید که خداوند او (علی بن ابی طالب) را برایتان صاحب اختیار و امام قرار داده است.

حضرت می فرمایند:

علی را قبول کنید که خداوند او را برای شما انتخاب نموده، او امام از جانب خداوند است. خداوند توبه کسی را که با او مخالفت نماید و سرپرستی اش را انکار کند، نمی بخشد.

در این جملات، حضرت یک نکته بسیار مهم را اشاره می کنند و آن این است که امیرالمؤمنین عَلِيٌّ به دستور خداوند و فرمان الهی امام ما هستند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با این جملات تأکید می کنند که انتخاب امیرالمؤمنین عَلِيٌّ به امامت و جانشینی از جانب خودشان نیست، بلکه خداوند ایشان را برای ما امام قرار داده است.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به این جملات اکتفا نکرده و می فرمایند:

بدانید که او (علی) جانشین رسول خدا است.

خداوند تنها با امامت علی دینتان را کامل نمود.

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

هر که من مولای اویم، علی مولای اوست.

ای مردمان! بدانید که جز این برادرم علی هیچ کس امیرمؤمنان نیست و...

گویا بیان خلافت امیرالمؤمنین عَلِيٌّ بار سنگینی بود که بر دوش

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سنگینی می کرد که حضرت در این زمینه می فرمایند:



معبودا! تو را گواه می‌گیرم که پیامت را به مردمان رساندم و  
وظیفه‌ام را انجام دادم تا حجت را بر همگان تمام کرده باشم. چه  
آنان که به دنیا آمده‌اند، چه آنانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند. (یعنی  
من و شما!)

سپس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مخالفان و آنانی که در طول تاریخ به مخالفت با  
حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام خواهند پرداخت را لعن و نفرین فرمودند:  
ملعون است هر آن که گفته‌های مرا نپذیرد. هر که با علی عَلَيْهِ السَّلَام  
مخالفت نماید، در آتش جهنم وارد خواهد شد.  
خطبه هم چنان ادامه دارد تا این‌که باز هم دل حضرت آرام  
نمی‌گیرد و می‌فرماید:

برای بیعت و پیمان بستن با علی و اقرار به امامت او، با من و  
پس از من با علی دست داده و بیعت نمایید.  
حال با خداوند بیعت کنید و با علی با لقب امیرالمؤمنین سلام  
نمایید.

در خطبه غدیر، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ۱۲ امام شیعه را معرفی کرده و  
درباره امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ...

بدانید که آخرین امامان از ما است، او قیام کننده؛ مهدی است. او  
است که تمام ادیان به آمدنش بشارت داده‌اند و روزی خواهد آمد  
و زمین را از عدل و داد پر خواهد نمود.

سپس حضرت می‌فرماید:

هر کس در یکی از ائمه شک کند، در همه ما شک کرده و جای  
منکر ما در جهنم است.

دست آخر پیامبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای تک تک افراد در هر روزگار، از جمله ما؛ وظیفه‌ای تعیین نموده و فرمودند:

فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

پس تا روز قیامت، این سخنان را حاضران به غائبان و پدران به فرزندان خود برسانند.<sup>۱</sup>

### نقل یکی دیگر از موارد از زبان عمر بن خطاب

عمر بن خطاب می‌گوید:

من خودم از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سه خصلت در مورد علی (عَلِيٍّ) شنیدم که اگر تنها یکی از آن‌ها برای من بود، برایم از هر چیزی که خورشید بر آن می‌تابد (یعنی همه عالم) دوست داشتنی‌تر بود. عمر می‌گوید: من، ابوبکر، ابو عبیده جراح و عده‌ای از اصحاب حضور داشتیم که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر علی (عَلِيٍّ) تکیه داده بود، به شانه او زد و گفت:

علی! تو اولین مؤمنین، از جهت ایمان آوردن و اسلام آوردن هستی!

---

۱ - اصل داستان غدیر و عبارت «الذی محله منی محل هارون من موسی...» در کتاب شیعی: تفسیر عتاشی، ج ۱، ص ۳۳۲، ذیل آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده و کتاب اهل تسنن: وفيات الاعیان، ابن خلکان، ج ۵، ص ۲۳۰ و ۲۳۱ و متن کامل خطبه نقل شده در کتاب شیعی: الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۳.

برای اطلاع بیشتر در مورد غدیر و خطبه غدیر و آگاهی از سندهای آن نزد شیعه و اهل تسنن می‌توانید به کتاب اسرار غدیر آقای محمد باقر انصاری، انتشارات دلیل ما مراجعه نمایید.

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى».

تو برای من همانند هارون نسبت به موسی هستی!  
به من دروغ بسته هر که بگوید مرا دوست دارد اما تو را دشمن  
بدارد!<sup>۱</sup>

### دیگر جایگاه‌های بیان حدیث

حدیث منزلت در جایگاه‌های مختلف دیگری چون در «خانه ام سلمه»<sup>۲</sup>، «ماجرای امر رسول خدا به بستن همه درهای رو به مسجد جز در خانه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام» (حدیث سداالبواب)<sup>۳</sup>، «حدیثی از جابر»<sup>۴</sup>، «ماجرای دختر حمزه سیدالشهدا»<sup>۵</sup> و ... نقل شده است. نکته قابل توجه این است که این روایت از ابتدای هجرت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مدینه تا اواخر عمر شریف و رحلت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فواصل زمانی و موقعیت‌های مختلفی بیان شده تا کسی گمان نکند این مقام و منزلت و جانشینی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام محدود به زمان و مکانی خاص بوده است، بلکه در دوران عمر شریف پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در موارد زیادی تکرار شده است.

۱ - کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۲۲، ذخائرالعقبی، ص ۵۸.

۲ - تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۱۶۹، معجم الکبیر طبرانی، ج ۱۲، ص ۱۵.

۳ - مناقب امام علی، ابن مغزلی، ص ۲۵۴ - ۲۵۵.

۴ - تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۲۹۰.

۵ - تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۳۶۸، خصائص امیرالمؤمنین، ص ۸۸.



## نسبت هارون به موسی از منظر قرآن

پس از روشن شدن تواتر، اهمّیت و جایگاه‌های نقل حدیث منزلت، سؤال مهم این است که بین حضرت موسی و هارون عَلَيْهِمَا السَّلَام چه نسبتی وجود داشته که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این میزان به آن نسبت تأکید کرده‌اند.

بر اساس تصریح آیات قرآن، زمانی که خداوند متعال به موسای کلیم الله دستور می‌دهد سوی فرعون که نسبت به خداوند متعال طغیان نموده بود حرکت نماید و او را به سوی خداوند دعوت نموده و از افعالش نهی نماید، موسی عَلَيْهِ السَّلَام از خداوند متعال درخواست می‌نماید که:

«وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي \* هَارُونَ أَخِي \* اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي \*  
\* وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي».<sup>۲</sup>

---

۱ - سوره مبارکه طه، آیه ۲۴.

۲ - سوره مبارکه طه، آیه ۲۹ - ۳۲.

و برای من وزیر و دستیاری از خاندانم قرار بده، (آری!) هارون برادرم را. پشت من را به او محکم کن و او را در کارم شریک گردان.

همین مضامین در آیات سوره قصص چنین آمده:

«وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُون»<sup>۱</sup>.

و برادرم هارون از من زبان آورتر است، پس او را با من به عنوان مددکار و یاور بفرست تا مرا تصدیق کند (چرا که) بیم آن دارم که مرا تکذیب کنند.

خداوند متعال در جواب موسی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

«قَدْ أَوْتَيْتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى»<sup>۲</sup>.

ای موسی! خواسته‌ات به تو داده شد.

«قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيَاتِنَا أَنْتُمْ وَمَنِ اتَّبَعُكُمَْا الْعٰلِيُونَ»<sup>۳</sup>.

فرمود: به زودی بازویت را به وسیله برادرت محکم خواهیم کرد و برای شما دو [نفر] سلطه‌ای قرار خواهیم داد که با [وجود] آیات ما به شما دست نخواهند یافت شما و هر که شما را پیروی کند غالب و پیروز خواهد بود.

۱ - سوره مبارکه قصص، آیه ۳۴.

۲ - سوره مبارکه طه، آیه ۳۶.

۳ - سوره مبارکه قصص، آیه ۳۵.

نسبت هارون به موسی از منظر قرآن □ ۴۷

در سوره فرقان خداوند متعال تأکید می‌نماید که هارون را وزیر موسی عَلَيْهِ السَّلَام قرار داده است:

«وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا»<sup>۱</sup>

و به راستی ما به موسی کتاب آسمانی عطا کردیم و برادرش هارون را همراه او و مددکارش قرار دادیم.

### بیان اول

این آیات، هارون عَلَيْهِ السَّلَام را برادر، وزیر، پشت گرمی، شریک در امر، یاور، مددکار و تصدیق کننده حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌داند. از دیگر آیاتی که گویای نسبت حضرت موسی و هارون عَلَيْهِمَا السَّلَام است، آیات سوره مبارکه اعراف است:

«وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»<sup>۲</sup>

و با موسی سی شب وعده نهادیم و آن را به ده شب دیگر کامل کردیم پس هنگام وعده پروردگارش به چهل شب تمام شد. و موسی به برادر خود هارون گفت: در میان قوم من جانشین من باش و به صلاح و سامان کوش و راه تباهکاران را پیروی مکن.

---

۱ - سوره مبارکه فرقان، آیه ۳۵.

۲ - سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۴۲.

«وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ  
خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَ  
كَانُوا ظَالِمِينَ»<sup>۱</sup>

و قوم موسی از پس [رفتن] او [به طور] از زیورهای خود تندیس  
پیکر بی‌جان گوساله‌ای ساختند (و پرستیدند) که بانگی داشت.  
مگر نمی‌دیدند که با آن‌ها سخن نمی‌گوید و به راهی هدایتشان  
نمی‌کند؟ آن را [معبود] گرفتند در حالی که ستمکار بودند.

«وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا  
خَلَقْتُمُونِي مِنْ ... قَالَ ابْنُ أُمَّ إِنْ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَ كَادُوا  
يَقْتُلُونِي...»<sup>۲</sup>

و چون موسی خشمناک و اندوهگین نزد قوم خود بازگشت، گفت:  
پس از من بد جانشینانی برایم بودید! ... [هارون] گفت: ای پسر  
مادرم! این قوم، مرا تضعیف کردند و نزدیک بود مرا بکشند...

### بیان دوم

این آیات پرده از سرپیچی امت حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام برداشته و  
می‌فرماید: خداوند با موسای کلیم الله ۳۰ روز در کوه طور وعده  
گذاشت. اما بر اساس حکمت الهی خداوند ۱۰ روز دیگر نیز به آن  
افزود. پیش از این که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام به کوه طور روند، حضرت  
هارون عَلَيْهِ السَّلَام را جانشین خود اعلام می‌نماید.

۱ - سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۴۸.

۲ - سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۵۰.



نسبت هارون به موسی از منظر قرآن □ ۴۹

پس از رفتن حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ، حضرت هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ هر قدر تلاش می‌کند تا مردم را از مکر سامری آگاه نماید و جانشینی خود را به یادشان آورد، کسی به او اهمیت نمی‌دهد.

هنگامی که موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ از کوه طور باز می‌گردد و با گمراهی مردم روبه رو می‌شود، ابراز ناراحتی نموده و دلیل این گمراهی را از هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ جویا می‌شود. حضرت هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز رو به برادر خود نموده و می‌فرماید:

«أَبْنُ أُمَّ إِنْ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَكَادُوا يَمْتَلُونِي».

ای فرزندِ مادرم! این قوم خوار و ضعیفم کردند و نزدیک بود مرا بکشند!



## مثل موسی مثل هارون

چنانچه تا به این جا روشن شد، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در زمان‌های مختلف و به بهانه‌های متفاوت جایگاه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام را نسبت به خود بسان هارون عَلَيْهِ السَّلَام به موسی عَلَيْهِ السَّلَام معرفی نمودند. و هم‌چنین بر اساس آیات قرآن کریم، برخی از نسبت‌های حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت هارون عَلَيْهِ السَّلَام تبیین گشت. به تصریح قرآن کریم، وقتی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام به نبوت و انداز فرعون برانگیخته شد، از خداوند درخواست نمود که:

«وَاجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِّنْ اَهْلِي \* هَارُوْنَ اَخِي \* اَشْدُدْ بِهٖ اُزْرِي \* وَاَشْرِكْهُ فِيْ اَمْرِي»<sup>۱</sup>.

و برای من وزیر و دستیاری از خاندانم قرار بده، (آری!) هارون برادرم را. پشت من را به او محکم کن و او را در کارم شریک گردان.

خداوند نیز درخواست موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ را اجابت نموده و می‌فرماید:

«قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى»<sup>۱</sup>.

گفت: ای موسی! خواسته‌ات به تو داده شد.

و هم‌چنین در سوره اعراف حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ، حضرت هارون را جانشین خود انتخاب می‌نمایند:

«وَ قَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي»<sup>۲</sup>.

و موسی به برادر خود هارون گفت: در میان قوم من جانشین من باش.

### تذکر

ضروری است که بدانیم، حضرت هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ پیش از حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ از دنیا رفتند و خلافت پس از حیات حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به جناب یوشع بن نون عَلَيْهِ السَّلَامُ رسید. بدیهی است که این شباهت در مورد امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ صدق نمی‌کند، چرا که شهادت ایشان پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود.

حضرت هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ فقط در زمان حیات حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ جانشینی ایشان را به دوش کشیدند. (چرا که زودتر از حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ از دنیا رفتند.) اما امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ علاوه بر این که در زمان حیات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مقام وزارت را به عهده داشتند، پس از شهادت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز جانشینی ایشان را بر دوش کشیدند.

۱ - سوره مبارکه طه، آیه ۳۶.

۲ - سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۴۲.

نکته قابل توجه این است که حدیث منزلت، جایگاه و منزلت امیرالمؤمنین علیه السلام را نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشان می‌دهد، نه جایگاه موقت ایشان را. خلافت، مقامی روحانی و معنوی است و فرد باید اهلیت، صلاحیت و شایستگی خلافت الهی را داشته باشد.

در حدیث منزلت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امیرمؤمنان علیه السلام را در مقام‌ها و منزلت‌های ایشان بسان هارون قرار داده‌اند. به این بیان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نفرمودند: چون هارون چهل روز خلافت کرد، تو نیز همانند او چهل روز بر این منصب خواهی بود. بلکه سخن از منزلت‌ها و مقام‌ها است. هارون علیه السلام دارای مقام و منزلت خلافت حضرت موسی علیه السلام بود و این مقام حتی در زمان حضور حضرت موسی علیه السلام نیز در میان بنی اسرائیل برای ایشان محفوظ بود. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز دارای این مقام و منزلت بودند و این مقام محدود به زمان و مکان خاصی نیست.

### جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام از منظر قرآن

ابن ابی‌الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه ذیل نقل حدیث منزلت می‌گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با این حدیث و بیان شریف برای علی بن ابی‌طالب علیه السلام جمیع مراتب و منازل هارون برای موسی را اثبات نمود به جز نبوت.<sup>۱</sup>

یعنی مقام برادری، وزارت، خلافت و جانشینی، پشت گرمی،

۱ - شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید، ج ۱۰، ص ۲۲۲.

شراکت در امر، یاور بودن، مددکاری و تصدیق‌کنندگی که در آیات قرآن به عنوان منازل و شؤونات حضرت هارون آمده بود، همه برای امیرالمؤمنین علیه السلام نیز صادق است به جز نبوت. از طرف دیگر اگر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم الانبیا (آخرین نبی) نبودند، امیرالمؤمنین علیه السلام پس از ایشان نبی الهی بودند. به عبارت دیگر جمله «انه لانی بعدی» می‌رساند که اگر بنا بود پیامبری بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیاید، علی علیه السلام واجد آن مقام بودند.

بنابراین، بر اساس وجود شباهت نسبت امیرالمؤمنین علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت هارون و حضرت موسی علیه السلام و تبیین قرآنی، باید امیرالمؤمنین علیه السلام برادر، وزیر، جانشین و خلیفه، پشت‌گرمی و شریک در امور رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باشند.

علاوه بر این استدلال‌ات، شواهد متعدد روایی و تاریخی نیز وجود دارد که تمامی مقامات بیان شده، در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام نیز صادق است که به برخی از آن‌ها (مانند پیمان برادری در جریان پیمان برادری، پشت‌گرمی و شراکت در امور در تبوک و غدیر و...) در موارد بیان حدیث منزلت در همین نگاه‌اشته اشاره شد. از دیگر جریانات که به نوعی تکرار تاریخ را به خوبی نشان می‌دهد و بیان‌کننده بسیاری از حقایق است، جریان قرآنی خاتم‌بخشی است.

### خاتم‌بخشی

«عبدالله بن عباس» می‌گوید: روزی کنار چاه زمزم نشسته بودم و برای مردم از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حدیث نقل می‌کردم. ناگهان مردی که عمّامه‌ای بر سر داشت و صورت خود را پوشانیده بود نزدیک آمد و هر

مرتبه که از پیغمبر اسلام ﷺ حدیث نقل می‌کردم او نیز با جمله «قال رسول الله» حدیث دیگری از پیامبر ﷺ نقل می‌نمود.

ابن عباس می‌گوید: او را قسم دادم تا خود را معرفی کند، او صورت خود را گشود و صدا زد:

ای مردم! هر کس مرا نمی‌شناسد بداند من ابوذری غفاری هستم! با این گوش‌های خود از رسول خدا ﷺ شنیدم که اگر دروغ بگویم هر دو گوشم کور شود، با چشمان خود این جریان را دیدم که اگر دروغ بگویم هر دو چشمم کور شود! پیامبر ﷺ فرمود: «علی قائد البررة و قاتل الکفرة منصور من نصره مخذول من خذله» علی (ع) پیشوای نیکان است و کشنده کافران، هر کس او را یاری کند، خدا یاری‌اش خواهد کرد، و هر کس دست از یاری‌اش بردارد، خدا دست از یاری او برخواهد داشت.

ای مردم! روزی از روزها با رسول خدا ﷺ در مسجد نماز می‌خواندم، سائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد، ولی کسی چیزی به او نداد، او دست خود را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا تو شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم ولی کسی جوابی به من نداد. در همین حال علی (ع) که در حال رکوع بود با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد. سائل نزدیک آمد و انگشتر را از دست آن حضرت بیرون آورد، پیامبر (ﷺ) که در حال نماز بود جریان را مشاهده نمود، هنگامی که از نماز فارغ شد، سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: «خداوندا! برادرم موسی از تو درخواست کرد تا هارون را که برادرش بود وزیر و یاورش قرار دهی و

بوسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریکش سازی!  
خداوندا! من محمد، پیامبر و برگزیده تو هستم! از خاندانم  
علی (علیه السلام) را وزیر من گردان تا بوسیله او، پشتم قوی و محکم  
گردد.

أبوذر می گوید:

هنوز دعای پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شد و  
به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) گفت: بخوان! پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرمود: چه  
بخوانم؟ گفت: بخوان...

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ  
وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»<sup>۱</sup>.

ولی و سرپرست شما تنها خدا و رسول اوست و کسانی که ایمان  
آورده اند. همان ها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع زکات  
می دهند.<sup>۲</sup>

ولی الله اعظم رکن دین اوست

اولوالامر تمام مسلمین اوست

که قرآن می کند وصف خضوعش

ز خاتم بخشی و حال رکوعش

۱ - سوره مبارکه مائده، آیه ۵۵.

۲ - کتب شیعی: تفسیر قمی، ۱۷۰ / ۱، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳،  
ص ۳۲۵.

کتب اهل تسنن: مناقب ابن مغازلی، ص ۳۲۸، ذیل آیه ۹۶ سوره مبارکه مریم،  
المنتور سیوطی، ج ۴، ص ۵۲۸ ذیل آیه ۲۹ سوره مبارکه طه.



این جریان علاوه بر نشان دادن یکی دیگر از شباهت‌های هارونی برای امیرالمؤمنین علیه السلام، بیانگر آن است که در این جریان به دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خداوند امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان وزیر و جانشین ایشان معرفی نموده و در شأن ولایت و وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن آیه «ولایت»<sup>۱</sup> نازل شده است. بر اساس این آیه سرپرست مردم تنها خداوند متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کسی است که در هنگام رکوع، زکات می‌دهد. (در این جریان یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام)

### شکوا

از دیگر شباهت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام با حضرت هارون آن است که طبق تصریح قرآن کریم مردم در غیبت حضرت موسی علیه السلام به هارون پشت نموده و جانشینی او را منکر شدند. عاقبت حضرت هارون دل‌خسته و رنجور رو به برادر نموده و عرضه داشت:

«ابنُ أُمَّ إِنْ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَكَادُوا يَمْتَلُونِي»<sup>۲</sup>.

«ای فرزندِ مادرم! این قوم خوار و ضعیف کردند و نزدیک بود مرا

بکشند!»

این جمله حکایت زخم‌های روح جانشینی است که مردم به او پشت کرده و نافرمانی‌اش نموده‌اند...

جای بسی شگفتی است که دیگر بار تاریخ تکرار می‌شود! چه خوب

---

۱ - سوره مبارکه مائده، آیه ۵۵.

۲ - سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۵۰، نهج‌البلاغه.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آینده را پیش بینی نموده و نسبت هارونی را برای امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام دانسته بودند! آن‌گاه که مردم به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام پشت نموده و کنارشان نهادند، آن‌گاه که علی بن ابی طالب دل خسته و رنجور شدند، خود را به قبر مطهر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسانده و روبه حضرت عرضه داشتند:

«ابنِ أُمَّ إِنْ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي»<sup>۱</sup>

«ای فرزندِ مادرم! این قوم خوار و ضعیفم کردند و نزدیک بود مرا بکشند!»

و این جمله نیز حکایتِ زخم‌هایِ روحِ جانشینی است که مردم به او پشت کرده و نافرمانی‌اش نموده‌اند...

---

۱ - سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۵۰.

مدرک شیعی: الکافی، ج ۸، ص ۳۳، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۲۷۵.

مدرک اهل تسنن: الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۲۰.

## کلام آخر

خداوند متعال از احوال بنی اسرائیل در قرآن کریم بسیار سخن گفته است، تا جایی که می‌توان به جرأت بیان کرد که از هیچ امتی از گذشتگان به اندازه امت فرزندان یعقوب نبی عَلَيْهِ السَّلَام (بنی اسرائیل) در قرآن آیه نیامده است! اما چرا؟!<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«امت من همان کارهای بنی اسرائیل را عیناً مرتکب می‌شوند! به صورتی که قدم جای قدم آنان می‌گذارند و وجب به وجب کارهای آنان را انجام می‌دهند تا جایی که اگر در بنی اسرائیل کسی وارد لانه حیوانی شده باشد، اینان نیز داخل می‌شوند!...»<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند:

«از کیفربهایی که بر اثر کردار بد و کارهای ناپسند بر امت‌های پیشین فرود آمده خود را حفظ کنید، و حالات گذشتگان را در خوبی‌ها و

---

۱- الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۸۶.

سختی‌ها به یاد آورید، و بترسید از این‌که همانند آن‌ها باشید!...  
از حالات زندگی فرزندان اسماعیل پیامبر، و فرزندان اسحاق پیامبر،  
فرزندان اسراییل «یعقوب» عبرت بگیرید، راستی چقدر حالات  
ملت‌ها با هم یکسان، و صفات و رفتارشان با یکدیگر همانند  
است!...»<sup>۱</sup>

«فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»<sup>۲</sup>.

پس عبرت بگیرید؛ ای صاحبان بصیرت!

---

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، (القاصعة)

۲ - سوره مبارکه حشر، آیه ۲.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. إرشاد القلوب إلى الصواب، ديلمى، حسن بن محمد الشریف الرضى، قم، ۱۴۱۲ ق.
۳. اسرار غدیر آقای محمد باقر انصارى، انتشارات دليل ما.
۴. إعلام الوری بأعلام الهدى، امين الاسلام فضل بن حسن طبرسى، يك جلدی، دار الكتب الإسلامية، تهران.
۵. الإحتجاج على أهل اللجاج، طبرسى، احمد بن على، نشر مرتضى، ۱۴۰۳ ق.
۶. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، شيخ مفيد، يك جلدی، انتشارات كنگره جهانی شيخ مفيد قم، ۱۴۱۳ هـ ق.
۷. الاستيعاب، ابن عبد البر، دارالجيل، بيروت، لبنان، ۱۴۱۲ ق.
۸. الأمالی، صدوق، ابن بابويه، محمد بن على، اعلمی، بيروت، ۱۳۶۲ ش.
۹. الأمالی، طوسی، محمد بن الحسن، ملقب به شيخ طوسی، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. الامامه و السیاسه، ابن قتیبه دینوری، مصر، ۱۳۸۸.
۱۱. البداية و النهاية، ابن كثير الحنبلي، دارالكتب العلمیة، بيروت، ۱۴۰۹ ق.

۱۲. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، مؤسسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قم، ۱۴۰۹ هـ ق.
۱۳. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین عبد الرحمن سیوطی، قم: منشورات مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ قمری.
۱۴. الرعايه لحال البدايه في علم الدرايه و البدايه في علم الدرايه، شهيد ثاني (زين الدين بن علي)، مركز الابحاث و الدراسات الاسلاميه، قم، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. السيرة النبوية، ابن هشام، دار احياء التراث العربي، بيروت - لبنان.
۱۶. الطبقات الكبير، ابن سعد، دار صادر، بيروت، لبنان، ۱۴۰۵ ق.
۱۷. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۵ ق.
۱۸. العين، فراهيدي، خليل بن أحمد، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۹. الكافي، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. المعجم الكبير للطبراني، ط. دار احياء التراث العربي.
۲۱. المغازي، واقدی، انتشارات اسماعيليان، تهران.
۲۲. بحار الأنوار، علامه مجلسی، محمد باقر، بيروت ج لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، صفار، محمد بن حسن، مکتبه آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. تاريخ الأمم و الملوك (تاريخ طبري)، محمد بن جرير طبري، دار التراث، بيروت، ۱۳۸۷ ق.
۲۵. تاريخ بيهقي، ابولحسن علي بن زيد بيهقي، تصحيح دكتور كلیم الله حسيني، حيدر آباد.
۲۶. تاريخ تحقيقي اسلام، يوسفی غروي، ۴ جلد، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خميني، قم، ۱۳۸۸ هـ ش.
۲۷. تاريخ سياسی اسلام، رسول جعفریان، ۲ جلد، سازمان چاپ و انتشارات تهران، ۱۳۷۳ هجری شمسی.

۲۸. تاریخ المدینه، ابن شتبه، دارالفکر، قم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۲۹. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۵ ق.
۳۰. تدريب الراوی فی شرح تقریب النوای، تألیف حافظ جلال الدین سیوطی.
۳۱. تفسیر العیاشی، عیاشی، محمّد بن مسعود، المطبعة العلمية، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۳۲. تفسیر قمی، قمی علی بن ابراهیم، دار الكتاب، قم، ۱۳۶۷ ش.
۳۳. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قمی مشهدی محمّد بن محمّد رضا، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۳۴. تفسیر فرات الکوفی، فرات کوفی ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۰ ق.
۳۵. خصائص نسائی، نسائی، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، قم، ۱۴۱۹ ق.
۳۶. ذخائر العقبی للمحب الطبری، دارالاسوة للطباعة و النشر.
۳۷. شرح نهج البلاغه ابن ابي الحديد، ابن ابي الحديد، عبدالحمید بن هبة الله، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳۸. صحیح بخاری، محمّد بن اسماعیل، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان.
۳۹. صحیح ترمذی، محمّد بن عیسی، به تحقیق احمد محمّد شاکر، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۴۰. صحیح مسلم، ابوالحسین مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، دار الفکر، بیروت.
۴۱. علل الشرائع، ابن بابویه، محمّد بن علی، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ ش.
۴۲. علوم الحدیث و مصطلحه، صبحی صالح، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۱.
۴۳. علوم الحدیث ابوالصلاح، ابن صلاح (عثمان بن عبدالرحمن الشهر زوری)، دارالفکر المعاصر، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۴۴. عیون أخبار الرضا ۷، ابن بابویه، محمّد بن علی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.

۴۵. فتح الباری فی شرح البخاری، ابن حجر، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان.

۴۶. کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، حافظ گنجی.

۴۷. کنز العمال، کتقی هندی، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان.

۴۸. لسان العرب، ابن منظور محمد بن مکرم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ قمری.

۴۹. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی فضل بن حسن، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۵۰. مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

۵۱. مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان، ۱۴۲۵ ق.

۵۲. مقتل الحسين، خوارزمی، نجف اشرف، منشورات مکتبه المفید، قم.

۵۳. مناقب آل ابی طالب: (لابن شهر آشوب)، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.

۵۴. مناقب امام علی، ابن مغزلی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۵۵. مناقب خوارزمی، نجف، منشورات المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ شمسی.

۵۶. نگاهي به حدیث منزلت، آیت الله سید علی حسینی میلانی، مرکز حقایق اسلامی، قم، ۱۳۸۹ ش.

۵۷. نهج البلاغه (للصالحی صالح)، شریف الرضی، محمد بن حسین، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.

۵۸. وسایل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

۵۹. وفيات الاعیان، ابن خلکان، دار صادر، بیروت، لبنان، ۱۳۹۸.

۶۰. ینابیع الموده، شیخ سلیمان القندوزی الحنفی، دارالاسوة للطباعة و النشر.



## پرسشنامه

- ۱) در یوم الدار، رسول خدا ﷺ فرمودند: «ای مردم! علی بن ابی طالب، برادر، ..... و ..... و ..... پس از من است.»
- الف) داماد و جانشین و خلیفه  
 ب) وصی، عالم‌ترین و خلیفه  
 ج) وصی، با تقواترین و عالم‌ترین  
 د) وصی، جانشین و خلیفه
- ۲) بر اساس آیات قرآن، آیا می‌توان به این استدلال که «چون پدرم یا آباء و اجدادم معتقد به این دین یا مذهب بودند» دین و مذهبی را برگزید؟
- الف) خیر، زیرا ممکن است همه آنان در گمراهی بوده باشند.  
 ب) بلی، چون حتماً آنان با فکر چنان کرده‌اند.  
 ج) خیر، چون امروزه زمانه تغییر کرده است.  
 د) بلی، چون انسان باید از خانواده‌اش پیروی کند.
- ۳) پیمان برادری اصحاب؛ مصداق کدام نسبت حضرت موسی با هارون علیه السلام و پیامبر با امیرالمؤمنین علیه السلام است؟
- الف) خلافت  
 ب) خویشاوندی  
 ج) برادری  
 د) پشت گرمی
- ۴) یکی از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام که می‌توان از جریان ولادت امام حسن و امام حسین علیه السلام دریافت، کدام است؟
- الف) پیشی نگرفتن بر پیامبر صلی الله علیه و آله در امور  
 ب) داماد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودن  
 ج) تقوای بی‌نظیر  
 د) علم منحصر به فرد
- ۵) نقل‌کننده اصلی حدیث منزلت در جریان ولادت امام حسن و امام حسین علیه السلام، کیست؟
- الف) جبرئیل  
 ب) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله  
 ج) حضرت زهرا علیه السلام  
 د) خداوند متعال

۶) در غدیر؛ رسول خدا ﷺ اگر چه کاری را انجام نمی‌دادند، وظیفه رسالت خود را انجام نداده بودند؟

الف) احکام حج را به مردم نمی‌آموختند.

ب) تفسیر قرآن را به مردم نمی‌آموختند.

ج) آن چه در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام بر ایشان نازل شده بود را به گوش مردم نمی‌رساندند.

د) با امیرالمؤمنین علیه السلام پیمان برادری نمی‌بستند.

۷) در غدیر رسول خدا ﷺ فرمودند: «بدانید! علی بن ابی طالب علیه السلام برادر،

..... و ..... و ..... پس از من است.»

الف) وصی، جانشین من در میان امتم، امام

ب) وصی، مرجع علمی، امام

ج) وصی، جانشین من در میان امتم، مفسر قرآن

د) با تقواترین، جانشین من در میان امتم، امام

۸) چه کسی امیرالمؤمنین علیه السلام را امام و پیشوای بر مردم قرار داده است؟

الف) جبرئیل (ب) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ج) مردم (د) خداوند متعال

۹) خداوند تنها به چه واسطه‌ای دین خود را کامل نمود؟

الف) با نزول قرآن کریم (ب) با وجوب حج تمتع

ج) با امامت امیرالمؤمنین علیه السلام (د) با آموختن تمامی احکام الهی

۱۰) امیرالمؤمنین لقب اختصاصی چه کسی است؟

الف) حضرت رضا علیه السلام (ب) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ج) امام صادق علیه السلام (د) علی بن ابی طالب علیه السلام

۱۱) بر اساس فرمایش رسول خدا ﷺ در غدیر، پدران و مادران تا روز قیامت

چه مسؤلیتی دارند؟

الف) برای فرزندان خود نام نیکو انتخاب کنند.

ب) به کودکان خود قرآن را تعلیم دهند.

ج) جانشینی و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام را به فرزندان خود برسانند.  
د) نماز خواندن را به کودکان خود بیاموزند.

۱۲) آخرین ائمه علیهم السلام، منجی بشریت، از نسل چه کسی است؟

الف) امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام      ب) هر کسی می تواند باشد  
ج) حضرت یوسف علیه السلام      د) هیچ کدام

۱۳) منظور از سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خیبر چه کسی است؟ «فردا پرچم را به دست کسی خواهیم داد که بی هیچ فرار و گریزی به قلب دشمن می زند، خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند.»

الف) عمر      ب) ابوبکر      ج) عثمان      د) امیرالمؤمنین علیه السلام

۱۴) در جریان تبوک چرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان جانشین خود در مدینه باقی گذاشتند؟

الف) زیرا رابطه شان با ایشان به هم خورده بود.

ب) از از ایشان در جنگ کاری بر نمی آمد.

ج) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «یا علی! مدینه اصلاح نمی شود جز به وجود من یا تو!»

د) هیچ کدام

۱۵) عمر بن خطاب آرزو می کرد تا کدام خصلت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد او باشد؟

الف) محتوای حدیث منزلت      ب) اولین ایمان آورنده او باشد.

ج) علم      د) گزینه الف و ب

۱۶) بر اساس حدیث منزلت و آیات قرآن کریم، چه شباهتهایی بین امیرالمؤمنین و هارون علیه السلام نسبت به پیامبر و موسی علیه السلام وجود دارد؟

الف) برادری، پشت گرمی، شراکت در امور

ب) خلافت، پشت گرمی، شراکت در امور

ج) برادری، وزارت، خلافت، پشت گرمی، شراکت در امور

د) برادری، وزارت، خلافت

۱۷) بر اساس حدیث منزلت و آیات قرآن کریم، مهم‌ترین نسبت موسی و هارون علیهم‌السلام که برای پیامبر و امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز صدق می‌کند، کدام است؟

- الف) برادری  
ب) شراکت در امور  
ج) پشت گرمی  
د) خلافت و جانشینی

۱۸) در جریان خاتم بخشی، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از خداوند چه درخواستی کردند؟  
الف) از اتمم یک نفر را وزیر من گردان تا بوسیله او، پشتم قوی و محکم گردد.

ب) از اتمم یک نفر را مرجع علمی دیگران قرار بده تا پس از من در قضاوت و ..... به او رجوع نمایند.

ج) از خاندانم علی علیه‌السلام را وزیر من گردان تا بوسیله او، پشتم قوی و محکم گردد.

د) از خاندانم علی علیه‌السلام را مرجع علمی دیگران قرار بده تا پس از من در قضاوت و... به او رجوع نمایند.

۱۹) یکی از آیاتی که در قرآن کریم در مورد ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نازل شده است را نام ببرید.

الف) آیه ولایت، آیه ۵۵ سوره مبارکه مائده

ب) آیه اکمال، آیه ۳۳ سوره مبارکه آل عمران

ج) آیه نفی سییل، آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء

د) آیه ولایت، آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده

۲۰) از حکمت‌های وجود آیات فراوان در مورد بنی اسرائیل کدام مورد است؟

الف) زیرا بزرگ‌ترین قوم در طول تاریخ بودند.

ب) زیرا شبیه‌ترین قوم به اسلام بودند.

ج) زیرا مسلمانان کارهای بنی اسرائیل را عیناً مرتکب شدند.

د) گزینه ب و ج